
نظریه‌های روز جامعه‌شناسی از ایزنشتات تا پسامدرن‌ها

گردآورنده و ویراستار:

دیرک کسلر

ترجمه‌ی

کرامت‌الله راسخ



فهرست مطالب

۷	پیش‌گفتار مترجم
۱۳	پیش‌گفتار ویراستار آلمانی بر ترجمه‌ی فارسی
۱۷	مقدمه
۲۳	فصل یکم: نظریه‌های پس‌پیش‌کسوتان در خانه‌ی جامعه‌شناسی (دیرک کسلر)
۶۱	فصل دوم: ساموئل نواح ایزنشتات (ماتیاس کونیش)
۹۱	فصل سوم: زیگمونت باومن (ماتیاس یونگه)
۱۱۳	فصل چهارم: آلن تورن (ولفگانگ کنوبل)
۱۴۳	فصل پنجم: میشل فوکو (راینر کالر)
۱۷۳	فصل ششم: توماس لاکمن (هوبرت کنوبلاخ)
۱۹۹	فصل هفتم: ژان بودریار (گئورگ کنیر)
۲۲۵	فصل هشتم: ایمانوئل والرشتاین (دیتر بوریس)
	فصل نهم: جامعه‌شناسی تاریخی نوین: چارلز تیلی، تدا اسکاچپول،
۲۶۱	مایکل مان (ویلفرید اشپون)
۲۶۵	چارلز تیلی
۲۷۴	تدا اسکاچپول
۲۸۳	مایکل مان

۳۰۷	فصل دهم: هارتموت اِسِر (راینر گرسهوف، اوه شیمانک)
۳۳۵	فصل یازدهم: ریچارد سینت (مارکوس شروتر)
۳۵۹	فصل دوازدهم: اولریش بک (رونالد هیتسler)
۳۸۵	فصل سیزدهم: تحلیل جامعه‌شناختی شبکه (ینس بکرت)
۳۹۰	مارک گرانووتر
۳۹۶	رونالد برت
۴۱۰	هریسون وایت
	فصل چهاردهم: نونهادگرایی جامعه‌شناختی
۴۲۱	(یولیان دیرکس، دیرک تسورن)
۴۲۳	جان دبلیو. میپر
۴۲۹	فرانک ر. دابین
	فصل پانزدهم: نظریه پردازان پسامدرن جامعه‌شناسی فرانسه: کالج
	جامعه‌شناسی، ادگار مورن، میشل مافزولی، برونو لاتور
۴۴۷	(اشتفان موبیوس)
۴۴۹	کالج جامعه‌شناسی (ژرژ باتای، روژه کایوئا، میشل لریس)
۴۵۵	ادگار مورن
۴۵۹	میشل مافزولی
۴۶۳	برونو لاتور
۴۷۵	فهرست نام‌ها
۴۷۹	واژه‌نامه (فارسی - آلمانی - انگلیسی)

پیش‌گفتار مترجم

هدف دیرک کِسلر از انتشار این مجموعه یافتن زمینه‌های مشترک میان جامعه‌شناسان معاصر به منظور ارائه‌ی طرحی برای تحول جامعه‌شناسی در قرن بیست‌ویکم است. او برای تحقق این هدف سه رهنمود کاری به نویسندگان این مقالات داد:

— نویسنده‌ی مقاله باید زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه‌شناس موضوع کار خود را بررسی کند؛

— نویسنده‌ی مقاله باید آثار نظری و نظریه‌های جامعه‌شناس موضوع کار خود را مطرح و واکاوی کند؛

— و سرانجام نویسنده‌ی مقاله باید تأثیر این نظریه‌ها را بر متفکران و جامعه‌شناسان معاصر و آتی نشان دهد.

دیرک کِسلر برای این کار اثری سه‌جلدی را در نظر گرفت. جلد اول و دوم با استقبال گسترده روبه‌رو شد و همین استقبال سبب شد تا او به فکر انتشار جلد سوم، کتاب پیش رو، بیفتد. دو جلد نخست با عنوان *نظریه‌های جامعه‌شناسان کلاسیک به فارسی ترجمه و در سطحی محدود تولید و توزیع شد*. کِسلر به جلد سوم عنوان *نظریه‌های روز جامعه‌شناسی داد*، چراکه در این جلد جامعه‌شناسانی بررسی می‌شوند که هنوز معلوم نیست

بتوان از آن‌ها در آینده با عنوان جامعه‌شناس «کلاسیک» نام برد. این جلد، چنان‌که از نامش پیداست، از ساموئل ایزنشتات تا پسامدرن‌ها را شامل می‌شود.

هدف از ترجمه‌ی این آثار فراهم آوردن زمینه‌ای تازه برای بررسی جامعه‌شناختی ایران است. اما نخست می‌بایست پرسید هدف از بررسی جامعه‌شناختی ایران چیست؟ یا آیا می‌توان در دنیای کنونی از جامعه‌شناسی در ایران سخن گفت؟ اگر پاسخ ما مثبت باشد، پرسش متعاقب آن این خواهد بود که چه‌گونه می‌خواهیم به سر منزل مقصود آن برسیم؟ احتمالاً نیاز به بازنگری آثار غربی داریم؟ ترجمه‌ی این آثار می‌تواند در خدمت بازنگری جامعه‌شناسی غربی قرار بگیرد! جامعه‌شناسی غربی جامعه‌شناسی تحول جوامع اروپایی در دو قرن گذشته است (کنت، اسپنسر، دورکیم، وبر، پارسونز، لومان، باومن، لاکمن و کنوبلاوخ). جامعه‌شناسی در ایران می‌تواند جامعه‌شناسی توسعه‌نیافتگی باشد. اگر فرض توسعه‌نیافتگی را مسلم بگیریم، پرسش این خواهد بود: چرا ایران در دو قرن گذشته، به تعبیری خاص، توسعه نیافت؟ پرسش درباره‌ی توسعه‌نیافتگی موضوع جریان‌های اصلی در جامعه‌شناسی نیز بوده است (نظریه‌ی نوسازی، وابستگی اجتماعی و صورت‌بندی اجتماعی). آیا می‌توان این پرسش را از دیدگاهی دیگر مطرح کرد، به این ترتیب که تلاش برای توسعه در کشورهای غیراروپایی را نوع دیگری از مدرنیسم چندگانه از دیدگاه ساموئل ایزنشتات به حساب آورد و از این دیدگاه علامت سؤالی در برابر فرض مسلم نخست قرار داد؟ اتفاقاً مقاله‌ی دوم این مجموعه به ایزنشتات و این پرسش مربوط می‌شود. برای پاسخ دادن به این پرسش، ابتدا باید خصوصیات جامعه‌شناسی امروز را تعیین کنیم. دیرک کسلر در فصل نخست این مجموعه به این موضوع می‌پردازد و پنج ویژگی جامعه‌شناسی امروزی را به ترتیب زیر تعیین می‌کند: یکم جهانی‌بودن، دوم گفتمانی‌بودن، سوم

بازتابی‌بودن، چهارم مشروط به زمان و ایدئولوژی‌بودن، و سرانجام روایتی‌بودن.

با توجه به این ویژگی‌ها می‌توان برای تحقق جامعه‌شناسی در ایران تلاش کرد. هم‌چنان‌که دیرک کسلر پیش‌بینی کرده است، ما در آینده شاهد تشدید تلاش‌ها برای تقویت جنبه‌های ملی مفاهیم و روش‌های پژوهش‌های اجتماعی تجربی خواهیم بود تا زمینه برای تجدید نظر در محتوای روایت غربی از پیدایش و تکامل «مدرن شدن»^۱ فراهم شود. شواهد گوناگونی در عرصه‌ی جامعه‌شناسی در ایران دیده می‌شود که مصداق این پیش‌بینی و تلاش برای تجدید نظر در روایت غربی از مدرنیته هستند.

به نظر می‌آید جامعه‌شناسی در ایران می‌تواند حول چهار محور نظری-پژوهشی سازمان‌دهی شود: جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی، هویت اجتماعی، ایدئولوژی‌پژوهی و روشنفکران.

جامعه‌ی ایرانی مانند بسیاری از جوامع در حال توسعه در نیم قرن گذشته شاهد تغییرات اجتماعی گسترده‌ای بوده است که ابعاد گوناگون این تغییرات تاکنون شاید آن چنان که باید موضوع مطالعات مشروح و یا حداقل مرتبط نبوده است. تحول اجتماعی دهه‌ی ۱۳۴۰ ه. ش. و بعد از آن، سبب تغییراتی اساسی در روستاهای ایران شد. یکی از پی‌آمدهای این تحول مهاجرت بخش قابل ملاحظه‌ای از روستاییان به شهرها و شهرستان‌های بزرگ بود که با مهاجرت شهرستانی‌ها به کلان‌شهرها در دهه‌ی ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ ادامه پیدا کرد. این حرکت جمعیتی افقی و کمی پی‌آمدهای کیفی و از نظر اجتماعی بسیار مهمی در پی داشت (صعود و افول اجتماعی، تغییر نگرش و غیره). بنابراین، تغییرات اجتماعی مسلماً یکی از محورهای اصلی پژوهش در جامعه‌شناسی ایران است.